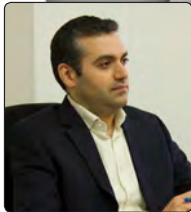


استقرار سامانه های حسابرسي داخلی: از ضابطه گذاری تا دشواری های اجرای



هوشنگ خستویی، غلامحسین دوانی، آزاده مداحی و مسعود محمدپور

سازمان بورس و اوراق بهادار، نهاد ناظر بر بازار سرمایه‌ی کشور، در اجرای وظایف نظارتی خود دستورالعمل کنترل‌های داخلی را در شانزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱ به تصویب رساند و در پی آن در ۲۳ بهمن‌ماه همان سال منشورهای کمیته‌ی حسابرسي و حسابرسي داخلی به کلیه‌ی ناشران پذیرفته شده در بورس و فرابورس کشور برای اجرا ابلاغ شد. بدین ترتیب، هیأت مدیره‌ی ناشران پذیرفته شده مطابق با مفاد ماده ۱۲ دستورالعمل کنترل‌های داخلی، به استقرار و به کارگیری کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش به منظور دستیابی به اهداف شرکت، مکلف شدند. برای ایفای این مسئولیت، هیأت مدیره باید سیستم کنترل‌های داخلی را با توجه به چارچوب کنترل‌های داخلی این دستورالعمل، حداقل به طور سالانه بررسی و نتایج آن را در گزارشی تحت عنوان "گزارش کنترل‌های داخلی" درج و افشا کند. همچنین، با توجه به مسئولیت‌های هیأت مدیره در استقرار کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش، مدیران ارشد اجرایی می‌بایست ضمن استقرار و به کارگیری کنترل‌های داخلی مطابق با دستورالعمل کنترل‌های داخلی، از نتایج ارزیابی حسابرسي داخلی و کمیته‌ی حسابرسي نیز استفاده کنند.

به طور خلاصه، هیأت مدیره‌ی ناشران بورسي می‌بایست کمیته‌ی حسابرسي و واحد حسابرسي داخلی خود را مطابق با الزامات سازمان بورس و اوراق بهادار تشکیل دهند و آن‌ها را ملزم به رعایت مفاد منشورهای کمیته‌ی حسابرسي و فعالیت حسابرسي داخلی سازند.

در مجموع، هدف از تشکیل کمیته‌ی حسابرسي، کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیأت مدیره و بهبود آن به منظور کسب اطمینان معقول نسبت به این موارد است:

(۱) اثر بخشی فرایندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی،

(۲) سلامت گزارشگری مالی،



۳) اثربخشی حسابرسی داخلی،

۴) استقلال حسابرس مستقل و اثربخشی حسابرسی مستقل و

۵) رعایت قوانین، مقررات و الزامات.

اکنون نزدیک به یک سال و نیم از ابلاغ این دستورالعمل‌ها گذشته است. از این رو، در میزگردی فرایندهای تصویب این مجموعه ضوابط و دشواری‌های اجرای آن در عمل را بررسی کرده‌ایم. در این میزگرد، علاوه بر خانم آزاده مداحی، رییس اداره امور حسابرسی و گزارشگری مالی سازمان بورس و اوراق بهادار، آقای مسعود محمدپور، فرایندهای اجرایی کردن دستورالعمل‌های سازمان در شرکت‌ها و نهادهای مختلف را به طور خلاصه ارائه کرده‌اند. آقایان هوشنگ خستویی و غلامحسین دوانی، نیز از منظر حسابرسان مستقل خارجی دشواری‌های اجرای دستورالعمل‌های سازمان بورس و اوراق بهادار را مورد بحث قرار دادند.

ضمن تشکر از حضور کارشناسان ارجمندی که دعوت ما را پذیرفتند ابتدا از خانم دکتر مداحی در خواست می‌کنیم به‌طور مختصر هدف‌های سازمان بورس و اوراق بهادار از تصویب مجموعه‌ی ضوابط و دستورالعمل‌ها در زمینه‌ی حسابرسی داخلی را برای آغاز بحث و اطلاع خوانندگان نشریه بیان کنند.



تدوین ضوابط حسابرسی داخلی حاصل فرایندهای حساب‌شده‌ی کارشناسه است

آزاده مداحی

موضوع بحث حاضر از اهمیت بسیاری برخوردار است و نتایج حاصل از آن می‌تواند به بهبود انجام کار کمک کند. الزامات سازمان بورس در این زمینه قبل از هرچیز به دستورالعمل کنترل‌های داخلی بازمی‌گردد که در اردیبهشت ۱۳۹۱ به تصویب رسید. البته، قبل از تصویب دستورالعمل یک سلسله فرایندها طی شد. نخست، باید به مطالعات تطبیقی که در شرکت بورس انجام شد اشاره کنم. همچنین در همین زمینه جلسات متعددی در کمیته‌ی استانداردها و آموزش برگزار شد. این کمیته متشکل از

افراد متخصص حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی کشور هستند و از سازمان حسابرسی و جامعه‌ی حسابداران رسمی اعضای حضور داشتند. در نهایت، با بررسی‌های انجام‌شده پیش‌نویس دستورالعمل تهیه و به نظرخواهی گذاشته شد و بعد از پنج ماه فرایند نظرخواهی دستورالعمل به تصویب رسید و ابلاغ شد. دستورالعمل کنترل‌های داخلی در واقع زمینه‌ی اولیه را فراهم کرد که شرکت‌ها الزام داشته باشند کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی را با مکانیسم‌هایی که در دستورالعمل گفته شده است اجرایی کنند. بعد از آن با هدف این

که رهنمودهای تکمیلی در این زمینه وجود داشته باشد، منشور حسابرسی داخلی و منشور کمیته‌ی حسابرسی با طی فرایندهای بررسی، نظرخواهی، تدوین و تصویب و به شرکت‌ها ابلاغ شد. بدین ترتیب، مبنای مقرراتی اجرای حسابرسی داخلی با این مجموعه‌ی مقررات و دستورالعمل‌ها فراهم شد.

از بُعد اجرایی و برای کمک به اجرای آسان‌تر الزامات دستورالعمل نیز ترجمه‌ی کتاب استانداردهای بین‌المللی حسابرسی داخلی را سازمان بورس منتشر کرد. همچنین تلاش کردیم کارگاه‌های آموزشی



که حسابرسی داخلی ایجاد می‌کند، امیدواریم با تمرینش بودن حسابرسی داخلی، اهداف کنترل‌های داخلی که همان افزایش شفافیت مالی، بهبود گزارشگری مالی، و جلوگیری از اتلاف منابع است، در بلندمدت تحقق یابد.

دیگر مواردی که بسیار اهمیت دارد توجه به نقش اعضای هیأت مدیره‌ی شرکت‌ها در ایفای وظایف قانونی‌شان است. با توجه به افزایش حساسیت‌هایی که از حیث قانونی در مورد مسئولیت‌های مدیران وجود دارد، به خاطر گزارش‌هایی که امضا شده و چه‌بسا آن عضو هیأت مدیره در جریان موضوع آن گزارش نبوده است، ما حتی موارد متعددی داشتیم که با توجه به فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار، اعضای هیأت مدیره‌ی شرکت‌ها به دادگاه رفتند. علت این اتفاق آن است که ساختار و سیستم حاکم بر شرکت سیستم مناسبی برای گزارشگری مالی نبوده است. حالا اگر این سیستم ارتقا و بهبود پیدا کند که یکی از ارکان آن بحث حسابرسی داخلی است، مطمئناً اعضای هیأت مدیره هم در قبال انجام وظایف قانونی خود می‌توانند سربلند بیرون بیایند و از این حیث دچار مشکل نشوند.

مزیت و اهمیت دیگر بحث حسابرسی داخلی کمک‌هایی است که به امر حسابرسی مستقل می‌تواند انجام دهد و بدین ترتیب کاهش ریسک حسابرسی است. وقتی سیستم درست عمل کند، هزینه‌های حسابرسی مستقل هم کاهش پیدا می‌کند و در عین حال

برگزار کنیم. در این زمینه، با انجمن حسابرسان داخلی هماهنگ کردیم که بحث آموزش را پی‌گیری کنند و انجمن تاکنون از حمایت‌های سازمان برخوردار بوده است و امیدوارم در آینده هم چنین باشد.

مهم‌ترین پیش‌نیاز تشکیل کمیته‌ی حسابرسی و انجام حسابرسی داخلی در شرکت‌ها این است که مدیران شرکت‌ها به اهمیت و ضرورت آن پی ببرند. به همین دلیل، سمیناری در اواخر سال ۱۳۹۱ برگزار شد و اعضای هیأت مدیره‌ی شرکت‌ها و مدیران عامل شرکت‌ها را برای حضور در سمینار دعوت کردیم و با استقبال خوبی هم مواجه شدیم. در این سمینار اهمیت موضوع و سایر نکات مرتبط قید شد. با این حال، قطعاً بحث فرهنگ‌سازی و آموزش نیازمند فعالیت‌های بسیار بیش‌تری است تا مدیران بهتر به اهمیت آن پی ببرند. در تبیین این مسأله که چرا این دستورالعمل به تصویب رسید و از چه اهمیتی برخوردار است باید توضیح داد که اگر مهم‌ترین کار حسابرسی داخلی را اطمینان‌بخشی و مشاوره‌ی مستقل و بی‌طرفانه به منظور ارزش‌افزایی و بهبود عملیات شرکت تعریف کنیم، تردیدی نیست که این اهداف بسیار بزرگ است و به مدیران شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران و بازار سرمایه کمک و ظرفیت جدیدی برای فعالیت حسابرسان مستقل فراهم می‌کند که باید در زمینه‌ی مهارت‌های انجام تخصصی آن کار شود. در زمینه‌ی اطمینان‌بخشی‌ای

◆ مهم‌ترین پیش‌نیاز تشکیل کمیته‌ی حسابرسی و انجام حسابرسی داخلی در شرکت‌ها این است که مدیران شرکت‌ها به اهمیت و ضرورت آن پی ببرند

◆ مزیت و اهمیت دیگر بحث حسابرسی داخلی کمک‌هایی است که به امر حسابرسی مستقل می‌تواند انجام دهد و بدین ترتیب کاهش ریسک حسابرسی است

◆ حسابرسی داخلی به مؤسسات حسابرسی که صرفاً به حسابرسی مستقل می‌پردازند، دامنه‌ی جدیدی از خدمات را می‌افزاید و در نتیجه درآمد و استقلال مؤسسات را افزایش می‌دهد

◆ وقتی حسابرسی داخلی از طریق مشاوره‌ها و اطمینان‌بخشی‌ها به افزایش کارایی و بهبود عملیات و ارزش‌افزایی و شفافیت اطلاعاتی شرکت کمک کند خودبه‌خود به اهداف کلان اقتصادی کشور هم دست می‌یابیم



اعتقاد داریم موضوع حسابرسی داخلی موضوعی نیست که صرفاً با ابلاغ یک دستورالعمل کار عملی می‌شود. به هر حال، موضوعی است که نیاز به فرهنگ‌سازی، تخصص کافی در این زمینه و نیروی کافی لازم دارد. اگر بخواهیم از چالش‌های امروز حسابرسی داخلی نام ببریم یکی از مهم‌ترین موارد فرهنگ‌سازی و ارتقای سطح دانش مدیران و اعضای هیأت مدیره نسبت به این موضوع است. اگر مدیران و اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها اعتقاد نداشته باشند که حسابرسی داخلی باید بازوی کمکی آن‌ها باشد، از این امر حمایت نمی‌کنند و عدم حمایت آن‌ها حسابرسی داخلی را یک امر صوری می‌کند که از اثربخشی لازم برخوردار نیست. بنابراین لازم است علاوه بر خود سازمان بورس، انجمن‌ها و نهادهای حرفه‌ای مرتبط هم کمک کنند که سطح آگاهی هیأت مدیره را ارتقا دهیم.

حمایت از حسابرسی داخلی چه در بعد منابع مالی که باید از آن برخوردار باشد و چه از بعد استقلال و جایگاه سازمانی و دسترسی به منابع و اطلاعات، خیلی اهمیت دارد و بدون حمایت مدیریت ارشد شرکت امکان‌پذیر نیست. در نتیجه می‌توان گفت که مهم‌ترین گام افزایش آگاهی مدیران و اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها نسبت به این موضوع است به نحوی که آنان به حسابرسی داخلی اعتقاد پیدا کنند. موضوع دیگر میزان تخصصی است که

نرم‌افزارها و فناوری اطلاعات می‌تواند خیلی یاری‌دهنده باشد. همین امر زمینه‌ای برای فعالیت شرکت‌های نرم‌افزاری ایجاد می‌کند، و فناوری اطلاعات بر روی حرفه و نیز آثاری را که می‌تواند روی فعالیت حسابرسان مستقل داشته باشد ارتقا می‌دهد. در سطح کلان وقتی به موضوع نگاه می‌کنیم وقتی حسابرسی داخلی از طریق مشاوره‌ها و اطمینان‌بخشی‌ها به افزایش کارایی و بهبود عملیات و ارزش‌افزایی و شفافیت اطلاعاتی شرکت کمک کند خودبه‌خود به اهداف کلان اقتصادی کشور هم دست می‌یابیم.

سرانجام آن که، در سال‌های اخیر تأکیدهای بسیار روی اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی شده است، امسال هم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد، می‌دانیم که یکی از مهم‌ترین ارکان آن بحث شفاف‌سازی نظام مالی کشور است. اگر بخواهیم این امر را در سطح شرکت‌ها توزیع کنیم، اعم از این که شرکت‌ها خصوصی باشند، یا دولتی باشند و یا حتی در خود بخش دولتی، وجود حسابرسی داخلی اثربخش خیلی کمک می‌کند که بتوانیم به سلامت نظام مالی و شفاف‌سازی نظام مالی کشور برسیم. در نتیجه بحث حسابرسی داخلی دامنه‌ی خیلی وسیع‌تری از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و یا فرابورس دارد و قطعاً دارای آثاری در سطح کلان و در سطح سیاست‌های کلی نظام است.

که شفافیت اطلاعاتی در شرکت بهبود پیدا می‌کند.

علاوه بر آن، در بحث مؤسسات حسابرسی موضوع کنترل‌های داخلی به تخصص حسابرسان ما بسیار نزدیک است و دامنه‌ی خدماتی جدیدی برای مؤسسات حسابرسی ایجاد می‌کند. در بسیاری از شرکت‌ها شاید ایجاد واحد سازمانی داخلی به لحاظ اقتصادی به صرفه نباشد و ترجیح دهند این کار را برون‌سپاری کنند. اگر مؤسسات داشته باشیم که از تخصص مناسب در این زمینه برخوردارند، قطعاً هم به شرکت‌ها کمک می‌کند و هم به مؤسسات حسابرسی که می‌توانیم به اصطلاح آن‌ها را تک‌محصولی بنامیم که صرفاً به حسابرسی مستقل می‌پردازند، دامنه‌ی جدیدی از خدمات را می‌افزاید و در نتیجه درآمد و استقلال مؤسسات را افزایش می‌دهد و نتایج مثبت دیگری می‌تواند برای آن‌ها داشته باشد.

نکته‌ی دیگر کمک این دستورالعمل به توسعه‌ی فناوری اطلاعات است. هم‌اکنون در سطح بین‌المللی از موضوع حسابرسی مستمر صحبت به میان می‌آید. این حسابرسی عمدتاً متکی بر حسابرسی داخلی است. در شرکت‌هایی که سیستم‌های مالی و حسابرسی مکانیزه‌تر هستند می‌توان آسان‌تر به مفهوم حسابرسی مستمر نزدیک شد. در شرکت‌هایی مانند بانک‌ها، که تعداد شعب بسیار زیاد است و فرایندها بسیار حساس و مکانیزه است به کارگیری این گونه

در حال حاضر در حرفه‌ی ما و در کشور ما در زمینه‌ی حسابرسی داخلی وجود دارد، خواه این تخصص در مؤسسات حسابرسی باشد که می‌توانند فعالیت‌های حسابرسی داخلی را به صورت برون‌سپاری شده انجام دهند، خواه در داخل خود شرکت‌ها. با توجه به تشکیل انجمن حسابرسان داخلی ایران لازم است آموزش اثربخش‌تری داشته باشیم، و نیروی متخصص به قدر

کافی در حرفه پرورش یابد تا بتوانند فعالیت‌های اثربخشی در شرکت‌ها داشته باشند.

بنابراین، باید ارزیابی کنیم در آموزش دانشگاهی ما و در سرفصل‌های درسی که در سطوح مختلف تحصیلی رشته‌ی حسابداری مان داریم، تا چه حد می‌توانیم افرادی با تخصص حسابرسی داخلی داشته باشیم، و علاوه بر آموزش دانشگاهی، آموزش حرفه‌ای برای

حسابرسان ما که یکی از زمینه‌های خدماتی است که می‌تواند ارائه کنند همان حسابرسی داخلی است. انجمن حسابرسان داخلی در این زمینه می‌تواند نقش خیلی مهمی ایفا کند. در نهایت با در نظر گرفتن جمیع این موارد می‌توانیم انتظار داشته باشیم که با گذشت زمان و انجام این کارها و بسترسازی‌های لازم، به نتیجه‌ی مطلوب برسیم.

بدون ارزیابی ریسک اثربخشی کنترل‌های داخلی امکان‌پذیر نیست

آقای محمدپور به طور حرفه‌ای در دوره‌ی اخیر درگیر استقرار سیستم‌های حسابرسی داخلی در شرکت‌های مختلف بودند. از تجربه‌ی شما چه می‌توانیم بیاموزیم؟



مسعود محمدپور

تجرباتی که ما در طی سه الی چهار سال گذشته در زمینه‌ی استقرار کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی داشته‌ایم شامل حدود ۲۰ شرکت تولیدی و خدماتی و ۳ بانک می‌شود. قبل از هر چیز، لازم است در مورد این پیش‌فرض توافق کنیم که کنترل‌های داخلی یک داروست، اما قبل از این که کنترل‌های داخلی به یک مجموعه تجویز شود باید عارضه‌یابی انجام شود، یعنی نخست باید بیماری فرایند یا مجموعه را تشخیص دهیم و ببینیم چه نوع کنترلی می‌تواند این بیماری را برطرف کند. این عارضه‌یابی

در فرهنگ تخصصی حسابرسی داخلی، ارزیابی ریسک نامیده می‌شود. تا موقعی که ارزیابی ریسک انجام نشود، اثربخشی کنترل داخلی اصولاً غیرممکن است. مثل این است که به پزشکی مراجعه کنیم و فقط از او دارو بخواهیم تا موقعی که معلوم نشود مشکل چیست و ریسک در کجاست، در چنین شرایطی دارا بودن کنترل داخلی فقط می‌تواند برای ما هزینه داشته باشد.

کاری که ما در چند سال گذشته انجام داده‌ایم این بوده است که پیاده‌سازی کنترل داخلی را به دو بخش عمده تقسیم کردیم: یکم، پیاده‌سازی در سطح بنگاه entity level یا ارزیابی ریسک و کنترل‌های داخلی در سطح بنگاه. دوم، پیاده‌سازی در سطح فرایند process level کار در این سطح را به عنوان حسابرسی داخلی تعریف کردیم. کاری را هم که در سطح بنگاه انجام می‌شود ارزیابی ریسک و کنترل‌های داخلی تعریف کردیم. هدف‌ها و روش‌شناسی این دو کاملاً با هم متفاوت است.

در روش‌شناسی مورد نخست، یعنی ارزیابی کلان ریسک و کنترل‌های داخلی ابتدا شرکت به سطوح بالاتر عملیاتی تقسیم می‌شود، در این جا روش کار مانند برداشتن لایه‌های مختلف پیاز

از روی آن است. مثلاً چارت سازمانی، واحدهای عملیاتی و معاونت‌های عملیاتی شناسایی می‌شود. بعد با یک معیار مشابه همه‌ی واحدها را، اعم از این‌که در صفاند یا در ستادند، عملیاتی‌اند، تولیدی‌اند، یا پشتیبانی، ارزیابی می‌کنیم. این ارزیابی در سطحی اتفاق می‌افتد که این معیار در مورد همه‌ی این واحدها قابل تعمیم است. یعنی مجموعه‌ای از کنترل‌ها تعریف می‌شود که به تمامی واحدها قابل تعمیم‌اند. مثل دستورالعمل‌ها، فرقی نمی‌کند که در کجای شرکت داریم کار می‌کنیم، به‌هرحال مجری انجام کار باید دستورالعمل داشته باشد. یا مثلاً ارزیابی این مسئله که تا چه حد عملیات به شکل دستی انجام می‌شود. انجام عملیات به شکل دستی ریسک بروز خطای انسانی را دارد، فرقی ندارد که در کجای شرکت این اتفاق می‌افتد. در این زمینه ۲۷ معیار را تعریف کرده‌ایم و واحدها را بر اساس این ۲۷ معیار ارزیابی می‌کنیم، سپس این ارزیابی را کمی می‌کنیم. به این ترتیب، به دو نتیجه دست می‌یابیم: یکم اولویت‌بندی حسابرسی

انجام می‌شود و براساس آن درمی‌یابیم که در سطح فرایند بخش‌های مختلف شرکت چه اولیوی در انجام حسابرسی داخلی دارند، دوم این که اطلاعاتی به دست می‌آید که اصطلاحاً آن را مواد اولیه‌ای می‌نامم که طی ارزیابی تولید می‌شود و پدید می‌آید و از آن می‌توانیم گزارشی که بورس ارائه‌ی آن به دست شرکت‌ها را الزامی کرده تهیه کنیم. در کنار این ۲۷ شاخص، کارهای زیاد دیگری انجام می‌شود، جلسات، سؤالات، بررسی‌های دیگری که انجام می‌شود، به این مجموعه کمک می‌کند.

اما این کار دو دستاورد مهم دارد: یکم، اولویت حسابرسی داخلی را تعیین و دوم گزارش مورد درخواست بورس را برای شرکت‌ها تهیه می‌کنیم.

به موازات آن، خود شرکت‌ها هم علاقه‌مندند که در سطح بنگاه بدانند ریسک‌شان به صورت بالفعل و بالقوه در کجاست. مسلماً برای این که ارزش افزوده‌ی لازم برای خود شرکت هم فراهم بشود گزارش کلان ریسک به خود شرکت را هم ارائه می‌کنیم. بعد از انجام ارزیابی، یک برنامه‌ی

زمان‌بندی معمولاً سه ساله برای شرکت‌ها تعریف می‌کنیم که در طی این سه سال، به تفکیک هر سه‌ماه، براساس اولویت‌بندی به دست آمده، مأموریت‌های حسابرسی داخلی را تشریح می‌کنیم، گاهی در این سه ماه دو، سه تا چهار مورد حسابرسی انجام می‌شود و گاهی حتی یک حسابرسی. ولی ذکر این موارد از نظر زمانی بسیار اهمیت دارد یعنی هیچ‌گاه نباید بگذاریم حسابرسی بیش از سه ماه طول بکشد، نباید بگذاریم شرکتی با اندازه‌ی منطقی کم‌تر از سه سال دوره‌ی حسابرسی داخلی‌اش طول بکشد. هیچ‌گاه هم نباید بگذاریم بیش از پنج سال این دوره طول بکشد. این زمان‌ها دلایل خاص خودش را دارد که وقت جلسه ایجاد نمی‌کند وارد جزئیات آن بشوم. این زمان‌بندی براساس بهترین رویه‌ها **best practices** تعریف شده و از منطق خاص خودش برخوردار است. بعد از انجام این کار و تدوین برنامه‌ی جامع حسابرسی و مشخص شدن اولویت‌بندی‌ها، با تأیید کمیته‌ی حسابرسی و بعضاً مدیریت عامل و مدیریت ارشد شرکت‌ها و هیأت



مرحله‌ی بعد تشریح سیستم بهینه‌ی کنترل داخلی است. صورت مسئله این است که اگر قرار بود این ریسک را به صورت بهینه و حتی به صورت آرمانی و ایده‌آل کنترل کنیم چه باید می‌کردیم. پاسخ به بهترین رویه‌هایی که در آن صنعت خاص و آن فرایند خاص وجود دارد منوط است. حسابرس باید این بهترین رویه‌ها را بشناسد و با آن آشنا باشد.

بعد از آن، باید سیستم کنترل داخلی فعلی در آن فرایند یا سیستم خاص را تشریح کرد. این کار نشان می‌دهد فرایند در حال حاضر چه‌گونه کنترل می‌شود. بعد از آگاهی از این امر، مقایسه‌ای بین این چهار مورد باید انجام شود. نخست ببینیم سیستم فعلی کنترل داخلی تا چه میزان ریسک را پوشش می‌دهد، آیا با توجه به بهترین رویه‌ها، سیستم موجود بهترین سیستمی است که می‌توانیم داشته باشیم، آیا با توجه به خلاء باقی‌مانده‌ی ریسک، میزان ریسک باقی‌مانده برای مان قابل‌پذیرش است یا قصد داریم آن را مدیریت کنیم. اگر می‌خواهیم مدیریت کنیم، در آن جا توصیه‌های حسابرسی ارائه و سپس در گزارش درج می‌شود. دوم، ارزیابی سیستم کنترل داخلی است که مبنای آن را تشریح کردم. بخش سوم حسابرسی ما رسیدگی investigation است که در این جا با دو نوع آزمون مواجهیم: یکی آزمون‌های رعایت که اطمینان از پیاده‌سازی و اجرایی شدن چیزی است که در دستورالعمل‌ها

مدیره برنامه‌ی اجرایی و اجرایی کردن حسابرسی آغاز می‌شود.

در حسابرسی داخلی، چهار گام عمده داریم. اول، برنامه‌ریزی planning، که ۱۰ درصد زمان را بیش‌تر به خودش اختصاص نمی‌دهد، ویژگی‌های خاص خودش را دارد برای این که تیم را در یک صحنه با همدیگر قرار دهد، درباره‌ی کلیات حسابرسی، ریسک‌های موجود در حسابرسی، مواردی که باید بیش‌تر به آن توجه کرد، شکل برنامه، اولویت‌های ما، توجه به دامنه‌ی کار و جز آن، معمولاً یک گزارش به صورت داخلی در خود تیم ارائه می‌شود.

مرحله‌ی بعد ارزیابی سیستم کنترل داخلی است؛ منتهای سطح فرایند ارزیابی سیستم در سطح فرایند چهارمرحله دارد. اول خود فرایندها، سیاست‌ها و موضوعاتی که روی فرایندها حاکم هستند، مثلاً سیستم‌های فناوری اطلاعات یا سیاست‌ها و افراد مجری آن باید شناسایی شوند. بعد از شناسایی، هرکدام ریسک بالقوه‌ی خود را دارد. شاید درجه‌ی ریسک کم یا زیاد باشد، شاید در دست کنترل است، شاید تا الان رخ نداده است... برای حسابرس هیچ یک از این موارد ملاک نیست، تنها چیزی که ملاک است این است که در این جا ریسکی وجود دارد یا خیر. اگر وجود دارد باید به آن توجه کرد. در حوزه‌ی ریسک، شناخت خود ریسک، علت ریسک، پی‌آمد ریسک و نوع ریسک است که اهمیت دارد. حسابرس داخلی این موارد را هم باید بررسی کند.

◆ پیاده‌سازی کنترل داخلی

را به دو بخش عمده تقسیم کردیم: یکم، پیاده‌سازی در سطح بنگاه یا ارزیابی ریسک و کنترل‌های داخلی در سطح بنگاه. دوم، پیاده‌سازی در سطح فرایند و کار در این سطح را به عنوان حسابرسی داخلی تعریف کردیم

◆ انجام عملیات به شکل

دستی ریسک بروز خطای انسانی را دارد، فرقی ندارد که در کجای شرکت این اتفاق می‌افتد

◆ بعد از انجام ارزیابی، یک

برنامه‌ی زمان‌بندی معمولاً سه ساله برای شرکت‌ها تعریف می‌کنیم که در طی این سه سال، به تفکیک هر سه‌ماه، براساس اولویت‌بندی به دست آمده، مأموریت‌های حسابرسی داخلی را تشریح می‌کنیم



یافته‌ها و توصیه‌ها به تأیید مجریان آن با ذکر تاریخ اجرایی است. سپس گزارش منتشر می‌شود و این گزارش در اختیار مدیریت عامل، کمیته‌ی حسابرسی و مجریان توصیه‌ها و دیگر افراد ذی‌ربط قرار می‌گیرد. در نهایت باید پیگیری follow up توصیه‌ها را انجام دهیم. پی‌گیری به تفکیک زمان و مجریان مربوطه در مقاطع مقتضی انجام می‌شود.

یافته‌ها و توصیه‌ها می‌رسیم و یا اطمینان می‌یابیم که آن‌چه در دست انجام است به‌درستی انجام می‌شود. بخش چهارم گزارشگری است که در گزارشگری ما نقاط عمده‌ی ضعف کنترل‌های داخلی را تشریح و در مورد آن اظهارنظر می‌کنیم. اظهارنظر باردیگر طبقه‌بندی خودش را دارد که تشریح آن در حوصله‌ی بحث کنونی نیست. پیوست گزارش تک‌تک

به عنوان فرایند تشریح شده یا به صورت فرایند در دست اجرا است. آزمون‌های دوم را آزمون‌های تحلیلی می‌نامم که با دیدگاه نتیجه‌گرا اجرای فرایندها را بررسی می‌کند. با توجه به نوع موضوع این آزمون متفاوت می‌شود. در این‌جا به خلاقیت و هم‌فکری حسابرس برای شناخت بهترین آزمون نیاز داریم. بعد از انجام این آزمون یا به

قبل از هر چیز، به قانون راهبری شرکتی نیاز داریم

جناب آقای خستویی، براساس تجربه‌ی شما به عنوان حسابرس مستقلی که تجربه‌ی حسابرسی و بازرسی شرکت‌های متعدد بورسی را داشته‌اید، تا چه حد دستورالعمل‌های کنونی را قابل اجرا می‌دانند؟



هوشنگ خستویی

خطاب من در این جلسه به فرد خاصی نیست و خطاب من به بورس است. به قول مولانا: «گاه سوی خطا روی، گاه سوی جفا روی، آن منی کجا روی؟» ما باید با هم کار کنیم. صحبت‌های دوست عزیزمان آقای محمدپور را به‌دقت گوش کردم. می‌پرسم بسیار خوب کاملاً درست است. اما به قول نیما «به کجای این شب تیره بیاویزم قبا‌ی ژنده‌ی خود را؟» شما مسایلی را که مطرح کردید کاملاً درست است. ما ریسک را ارزیابی می‌کنیم. من ریسک را در بانک ارزیابی می‌کنم. مثلاً بر مبنای این نتایج ریسک باید این تصمیمات را گرفت. مثلاً در مورد سیاست تسهیلاتی

هستند، بیش از ۸۰ درصد پرونده‌ها فقط مربوط به ۷-۸ درصد مطالبات می‌شود. اتفاقاً کم‌ریسک‌ترین وام‌ها هم مربوط به همین مطالبات خرد است. پروصول‌ترین وام‌ها وام ازدواج است که ۸۵ درصد آن وصول می‌شود

غلامحسین دوانی:

ممکن است محیط حسابرسی داخلی را نپذیرد. اما این نفی وجود حسابرسی داخلی نیست.

هوشنگ خستویی:

مسئله نفی حسابرسی داخلی و کنترل داخلی نیست. در سال ۱۳۸۴ حسابرسی داخلی ارزش افزا را در انجمن پیاده کردیم. در یکی از بانک‌های دولتی نگرش به حسابرسی داخلی نگرش به

خود این تغییرات را بدهید و من باب مثال به آقای الف که ریسک بالایی دارد تسهیلات نپردازید. بعد از مدتی همین آقای الف بر مبنای شرایط حاضر همین فردی که ما پریسک ارزیابی کردیم می‌تواند وام موردنظرش را بگیرد. بنابراین ارزیابی این ریسک چه تأثیری دارد که به بررسی‌اش پردازیم؟ من تشکیلات و شکل آکادمیک موضوع را نفی نمی‌کنم، اما می‌گویم اصلاً این ردیف ارزیابی‌ها در عمل جایی ندارد. ما در کمیته‌ی بررسی مطالبات معوق هشت میلیون پرونده در یک بانک بزرگ دولتی داریم، ۷۲ درصد مطالبات به چهاردهم درصد پرونده‌ها مربوط می‌شود. حدود یازده درصد مسئول ۱۲ درصد مطالبات



وقتی بانک مرکزی در حساب سپرده‌ی بانک خصوصی سپرده‌گذاری می‌کند و ما می‌دانیم این مغایر ضوابط است اما این‌ها راهکارهایی بوده که به سبب فشارهای اقتصادی بین‌المللی ایجاد شده است. آیا حسابرس می‌تواند این موارد را مطرح کند؟ مواردی که آقای محمدپور گفتند مورد موافقت کامل من است، اما ناکجاآباد را نشان می‌دهد. در کشوری هستیم که بانک مرکزی صبح چهارهزار میلیارد از حساب یک بانک برداشت می‌کند.

بباید این مقوله‌ها را جدا کنیم. آن‌چه باید باشد زیباست اما باید آن را بسازیم ما به دگرذیسی نیاز داریم. ابتدا باید اصلاح مدیریتی انجام شود. وقتی اصلاحات انجام شد، آن‌گاه بورس به عنوان نماینده و دادستان حقوق مردم و سهام‌داران باید این سخت‌گیری‌ها را انجام دهد. در این شرایط حسابرسی می‌تواند به شکل موفقیت‌آمیزی انجام شود.

نکته‌ای که هم باید در حاشیه مطرح کرد این است که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی چه تناسبی با گستره‌ی خدماتی که ارائه می‌کند دارد؟ بورس باید به اندازه‌ی توان خود کار کند، حسابرس مستقل به اندازه‌ی توان خودش، حسابرس داخلی به اندازه‌ی توان خودش... همه باید در کنار هم باشیم در نهایت هدف ما باید ایجاد سینرژی باشد. ایده‌ی جدید حسابرسی داخلی مثل فضای تنفسی است که باید درست شود و این به ایجاد قدرت مضاعف می‌انجامد.

یک واحدی است که آسایشگاه پیش از بازنشستگی بخشی از کارکنان است. باید این باور را ایجاد کنیم که به کدامین علت حسابرسی داخلی را با این شکل جدیدش نیاز داریم. ما باید ببینیم مدیریت ما فلسفه‌ی حسابرسی داخلی را قبول دارد یا خیر. آیا مدیریت ما این را قبول دارد یا خیر. الان من شرکتی بودم که اسمش سرمایه‌گذاری است اما فقط ساختمان خرید و فروش می‌کند.

باید به نقطه‌ی اول بازگشت. شرکتی که می‌خواهد وارد فرابورس شود باید در آغاز برای پذیرش در بورس تعهد محکمی بدهد که حسابرس هم آن را تأیید کند که دارای سامانه‌ی کنترل داخلی کافی هست. اگر نداشته باشد اصلاً طرف بورس نباید بیاید.

کمیته‌ی حسابرسی از ۱۹۴۰ در بورس نیویورک ایجاد شد و دایم متکامل شد. بعد از انرون و نیز قبل از آن در رسوایی ووترگیت، در سطح جهانی شاهد فساد گسترده و رسوایی‌های مالی بودیم. ما قبل از هرچیز به قانون راهبری شرکتی نیاز داریم. الان در لبنان هم این قانون را داریم اما در ایران نداریم. در چارچوب این قانون می‌توانیم حسابرسی داخلی داشته باشیم. وقتی این قانون حاکم باشد نمی‌شود در شرکتی مدیر عامل و رییس هیأت مدیره یکی باشند و بگویند این شرکت دولتی است. ناچاریم در این زمینه‌ها به تفاهم برسیم. اگر به تفاهم نرسیم، شیوه‌هایمان متفاوت می‌شود و قدرت درک یکدیگر را نداریم. همه حسابرس را زیر ذره‌بین قرار داده‌اند.

◆ من تشکیلات و شکل

آکادمیک موضوع را نفی نمی‌کنم، اما می‌گویم اصلاً این ردیف ارزش‌بایی‌ها در عمل جایی ندارد ◆

◆ باید ببینیم مدیریت ما

فلسفه‌ی حسابرسی داخلی را قبول دارد یا خیر ◆

◆ ما قبل از هرچیز به

قانون راهبری شرکتی نیاز داریم. الان در بسیاری از کشورهای دنیا این قانون را داریم اما در ایران نداریم ◆

◆ ایده‌ی جدید حسابرسی

داخلی مثل فضای تنفسی است که باید درست شود و این به ایجاد قدرت مضاعف می‌انجامد ◆

ما به عنوان حسابرسان مستقل و خارجے تا امروز از نتایج کار حسابرسان داخلے استفادهای نکردهایم



جناب آقای دوانی، نظر شما در مورد بحث‌هایی که تاکنون مطرح شد چیست؟

غلامحسین دوانی

بورس مقام ناظر بازار سرمایه در همه‌ی کشورهاست و از منظر خودش، باید پاسخ‌گو باشد. در صورت سقوط بورس، حسابرس پاسخ‌گو نیست مقام ناظر باید پاسخ‌گو باشد. ممکن است بورس راهکارهایی پیشه کند که در مواردی عملی نباشد، اما از این زاویه این کار را انجام می‌دهد که به‌رحال، عهده‌دار نظارت است. در این مورد که مقام ناظر بازار سرمایه بورس است کسی تردیدی ندارد اما این نظارت باید تعریف شده و ضابطه‌مند و بدون تفسیر باشد.

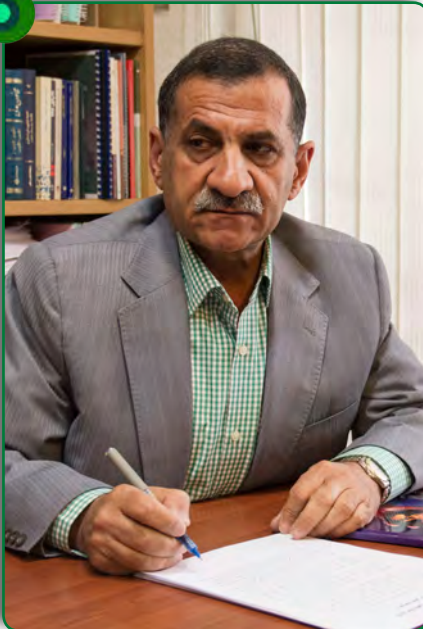
وقتی به تاریخچه‌ی حسابرسی داخلی توجه کنیم می‌بینیم که از دهه‌ی ۱۹۸۰ که بحران‌های مالی آغاز شد، نقش حسابرسی داخلی و کنترل داخلی متحول شد. حسابرس داخلی و حسابرس خارجی یا مستقل دو شخصیت متفاوت هستند. شخصاً اعتقاد دارم که توانمندی حسابرس داخلی باید بسیار بیش‌تر باشد. چون حسابرس داخلی قرار است جلوگیری کند و این به مهارت‌های خاصی نیاز دارد. اما حسابرس مستقل در نهایت کشف می‌کند. مانند نظارت

قبل از خرج و بعد از خرج است که نظارت قبل از خرج ظرایف بسیار بیش‌تری دارد. مهارت حسابرس خارجی در کشف موضوع است. ولی حسابرس داخلی قبل از حسابرس مستقل از طریق کنترل ریسک باید جلوگیری کند. بنابراین تعاریف استاندارد بین‌المللی از حسابرس داخلی خیلی گسترده‌تر از حسابرس خارجی است. از آخرین تعریف حرفه‌ای نسبت به فرایند حسابرسی داخلی بیش از ۱۴ سال می‌گذرد در آن زمان انجمن حسابرسان داخلی (IIA) خود را برای جهشی بزرگ در تعریف نقش خود آماده کرده بود به‌طوری‌که در این

تعریف حسابرسی داخلی به عنوان یک فعالیت مستقل با هدف تمرکزگرایی بر مدیریت ریسک، کنترل و ... به‌عنوان یک عامل جدید و هیجان‌انگیز برای ورود حسابرسان داخلی به دروازه جهانی معرفی شده بود. از طرف دیگر استاندارد حسابرسی ۶۱۰ (ISA 610) در مورد فعالیت حسابرسی داخلی توسط هیئت استانداردهای اطمینان‌بخشی و حسابرسی دولت استرالیا، حسابرسی داخلی را به مفهوم ارائه خدمت برای

ارزیابی واحد تجاری شامل نظارت بر کنترل‌های داخلی دانسته، علاوه بر این، انجمن حسابرسان داخلی در سال ۲۰۰۶ صراحتاً اعلام نموده بود "واحد حسابرسی داخلی، بخش یا تیمی متشکل از مشاوران است که خدمات مشاوره‌ای و اطمینان‌دهی مستقل و بی‌طرفانه به منظور ایجاد ارزش افزوده و بهبود عملیات سازمان ارائه می‌کند. فعالیت حسابرسی داخلی با ایجاد رویکرد منظم و روشمند به سازمان کمک می‌کند که جهت دستیابی به هدف‌های خود اثربخشی فرایندهای مدیریت ریسک، کنترل و نظام راهبری را ارزیابی و بهبود بخشد."

اما آخرین تعریف ارائه شده از مفهوم فعالیت حسابرسی داخلی که به‌وسیله انجمن حسابرسان داخلی در سال ۲۰۱۰، بیان شده اظهار می‌دارد "اگرچه حسابرسی داخلی همانند سایر بخش‌های یک سازمان در جهت اهداف سازمان و به ایجاد ارزش افزوده کمک می‌کند اما امروزه با پیچیدگی‌های جدید در روابط و معاملات مالی، دامنه‌ی فعالیت حسابرسی داخلی محدود به تعریف



در مورد شرکت‌های بورسی، بورس به عنوان مقام ناظر این مسئله را الزامی می‌کند. مشکل مهمی که ما در ایران داریم این است که به فرایند بعضی از تجربه‌ها توجه نمی‌کنیم. بورس امریکا بعد از حدود ۱۴۰ سال به این جمع‌بندی رسیده است. اما من به عنوان استفاده‌کننده از این یافته‌ها لازم نیست ۱۴۰ سال عمر داشته باشم. ولی نیاز داریم فرایندی را به صورت حداقلی طی کنیم نه اینکه یکباره خواب نما شویم و موضوعات جدید را خلق‌الساعه بخواهیم در محیطی کاملاً مغایر محیط زاینده‌ی این تئوری‌ها پیاده کنیم! سازمان بازار سرمایه‌ی ما دولتی است. منظوم بسیاری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس است. این شرکت‌ها گاهی اصلاً به الزامات بورس توجه نمی‌کنند. اما مثلاً در امریکا شرکتی نیست که جرأت مخالفت با الزام کمیسیون بورس و اوراق بهادار داشته باشد. این‌ها جزو محدودیت‌های کار ما است. ولی در این مورد که الزامی کردن کنترل‌های داخلی درست است تردیدی نیست و باید تعریف درستی از آن بشود. درست است که هم‌ه‌ی بازیگران عرصه‌ی حسابرسی ایجاد ارزش افزوده می‌کنند، اما حسابرسان داخلی با شناسایی و کنترل ریسک سطح انتظارات و حجم ارزش افزوده را افزایش می‌دهد. همیشه مفاهیم جدید زمانی پدیدار می‌شود که انتظارات سهام‌داران و ذی‌نفع‌ها تغییر می‌کند. زمانی تصور می‌شد که وظیفه‌ی حسابرسان خارجی

فوق نبوده و جدا از کارایی عملیات، اتکاپذیری به فناوری اطلاعات، اثربخشی و کارایی معاملات تجاری، کمک به بهبود فرایندها و عملیات شرکت است که این وظیفه‌ی جدید در کنار همان کارکردهای قدیمی و مهم یعنی استقرار صحیح و مناسب کنترل‌های داخلی و پیشگیری از تقلب تعیین شده است." لذا حسابرسی داخلی همچنین به دلیل مهارت و تخصص نیروهای خود در موقعیت مطلوب‌تری برای ایجاد مشارکتی سازنده با تدوین ساختارهای مناسب و توسعه‌ی آموزش، حسابرسان را قادر به درک فرایندهای تجاری تولیدی، خدماتی و مشارکت در امر بهبود آن کرده است و آن‌ها به‌عنوان مسئول جهت‌نگهداری و بهبود مستمر محیط کنترلی و ایجادکننده‌ی فرصت مناسب برای ایفای نقشی فعال در گسترش مطلوب عملکرد فعلی، در عرصه‌ی سازمان‌ها معرفی می‌شوند. بحث دومی که دوستان مطرح کردند این است که ما از نظر تئوریک و این که چه کار باید انجام دهیم از تجربه‌ی جهانی برخورداریم و این تجربه‌ی جهانی را باید بومی کنیم. اما مسئله‌ی فراهم بودن بسترها، به حسابرسان داخلی یا خارجی مربوط نیست، به مدیریت مربوط است. یعنی اگر مدیریت ساختار مناسب را فراهم نکرده، حسابرسان داخلی در بهترین حالت می‌تواند یک سلسله راهکار ارائه کند. این که چه کسی این کارها را انجام دهد و الزام مربوط به آن، وظیفه‌ی حسابرسان داخلی و یا خارجی، هیچ‌کدام نیست.

◆ ما به عنوان حسابرسان مستقل و خارجی تا امروز از نتایج کار حسابرسان داخلی استفاده‌ی نکرده‌ایم ◆

◆ بورس، سازمان حسابرسی یا جامعه حسابداران رسمی باید نمونه‌ی گزارش‌های حسابرسان داخلی را ارائه و ضمناً قبل از هر چیزی باید مشخص باشد که مخاطب این گزارش‌ها کیست ◆

◆ شناسایی و مدیریت ریسک شامل ریسک عملیاتی، ریسک فعالیت‌های خود شرکت، ریسک‌های تجاری و غیره که حسابرسی داخلی بررسی می‌کند در حسابرسی خارجی مفهومی ندارد ◆

◆ بعضی از مدیران به مبحث پاسخ‌گویی علاقه‌مند نیستند ◆

◆ صرف وجود یک دفتر حسابرسی داخلی دردی را از بورس دوا نمی‌کند ◆



دانشگاهی ما قدرت ارائه‌ی آن را ندارد. دوستان حسابرس مستقل عموماً مسائل حسابرسی داخلی را آموزش می‌دهند در حالی که این دو مقوله‌ی کاملاً متفاوت است.

مثلاً اجرای حسابرس داخلی در بنگاه‌های بزرگ نیازمند نرم‌افزار است و بدون مهارت‌های فناورانه بیش‌تر به شوخی شبیه است.

البته، این مشکلات خاص بورس ما نیست. مگر در بورس‌های سایر جاهای دنیا این همه رسوایی مالی اتفاق نمی‌افتد. تازه در آن‌جا شاید مهارت‌های حسابرسی بهتری حاکم بوده و حسابرسی داخلی هم داشته باشند. جهانی‌سازی و پیچیده‌شدن مبادلات جهانی با خود ریسک‌هایی داشته است که بعضی از آن‌ها ناشناس است و اتفاقاً وظیفه‌ی حسابرس داخلی شناسایی آن‌ها است. حسابرسی داخلی علاوه بر پیچیدگی فرایند اتفاقاً به کارشناسان پیچیده‌ای هم نیاز دارد که متأسفانه در حال حاضر ما در ایران فاقد آن هستیم و در غیاب این محدودیت عملاً حسابرسان خارجی به این کار هم گمارده شده‌اند. به‌اشتباه هم بعضی از دوستان ما در حسابرسی خارجی این دو کار را هم‌زمان انجام می‌دهند. اصلاً چنین کاری نباید صورت بگیرد! البته با همه‌ی مشکلات تأکید می‌کنم که بورس باید آیین‌نامه‌ی راهبری شرکتی را الزامی کند. با همه‌ی مشکلاتی که موجود است بالاخره مقوله‌های جدید در سطح اجتماعی مطرح شده است.

حالی که اگر گزارش حسابرس داخلی به اصلاح منجر شده باشد، حسابرس مستقل لازم نیست مورد را در گزارش خودش منعکس کند. ولی چون احتمالاً حسابرس داخلی مواردی را ذکر کرده که برطرف هم نشده است، بنابراین از ارائه‌ی گزارش به حسابرس خارجی هم اجتناب می‌شود. من شخصاً گزارش حسابرس داخلی تاکنون ندیده‌ام و اگر هم دیده باشم گزارش شناخت بوده است.

از سوی دیگر، بورس، سازمان حسابرسی یا جامعه حسابداران رسمی باید نمونه‌ی گزارش‌های حسابرس داخلی را ارائه و ضمناً قبل از هرچیز باید مشخص باشد که مخاطب این گزارش‌ها کیست. آیا مخاطب گزارش مجمع است، هیأت مدیره است، یا کدام نهاد دیگر؟ چارچوب کلی که بورس مطرح کرده درست است. حسابرسی داخلی امروز مهم‌ترین وظیفه‌ی بنگاه‌هاست که به نظر من در مواردی از حسابرسی خارجی هم می‌تواند مهم‌تر باشد. به دلیل آن‌که ما باید به آن اتکا کنیم و چون امروز وجود ندارد و یا به ما ارائه نمی‌شود ما ناچار به حدس و گمان متوسل می‌شویم. به‌همین علت ما حسابرسان خارجی در حال حاضر درمورد کنترل‌های داخلی اظهارنظرهایی می‌کنیم که آن‌ها را نیازموده‌ایم!! دوم این که حسابرسی داخلی با توجه به آخرین تعاریف بین‌المللی که در بالا ذکر کردم نیازمند تخصص‌هایی است که اکنون مراکز آموزشی و

کشف تقلب است. سپس انتظارات عوض شد و گفته شد که واحد دیگری باید این کار را انجام دهد، این واحد مرکب از حسابرسان داخلی است. قانون ساربینز آکسلی، آیین‌نامه‌ی حاکمیت شرکتی اروپا همه نشان داد که چون انتظارات عوض شده بود واحد جدیدی هم طراحی شد. این انتظارات، جهانی است. شاید در کشوری زودتر اتفاق بیفتد اما حتماً در سایر کشورها هم رخ می‌دهد.

بورس ما هم پیش‌دستی کرد و آیین‌نامه‌ی راهبری شرکتی را الزامی دانست اما این که تا حالا به تصویب نرسیده است بازتاب همان مسایلی است که گفتم. به‌هرحال، عده‌ای با آن موافق نیستند. بعضی از مدیران به مبحث پاسخ‌گویی علاقه‌مند نیستند. بورس به هر نهادی که به شفافیت و اعتباربخشی مربوط باشد، از جمله حسابرس داخلی و خارجی، نیاز دارد. در صورتی حسابرس داخلی مؤثر است که به افزایش شفافیت و اعتباربخشی به حساب‌های شرکت منجر شود. وگرنه صرف وجود یک دفتر حسابرسی داخلی دردی را از بورس دوا نمی‌کند. ما به عنوان حسابرسان مستقل و خارجی تا امروز از نتایج کار حسابرسان داخلی استفاده‌ای نکرده‌ایم. چون اصلاً گزارشی به ما ارائه نشده است. شاید هم مدیریت تصمیم گرفته ما به گزارش‌های حسابرسان داخلی دسترسی نداشته باشیم. چون ممکن است یافته‌های آن‌ها در گزارش حسابرس مستقل منعکس شود. در



باید رویکرد تدریجی داشته باشیم

ضمن تشکر از همه‌ی دوستان محترم، در بخش دوم میزگرد ابتدا از خانم دکتر مداحی خواهش می‌کنیم به نقدهایی که دوستان در مورد اجرای ضوابط بورس مطرح کردند پاسخ دهند.



آزاده مداحی

فرمایش‌هایی که استادان محترم داشتند درست است و واقعاً این موارد مشکلاتی است که می‌توانیم در سطح شرکت‌ها یا در سطوح بالاتر مورد اشاره داشته باشیم. ما این مشکلات را منکر نمی‌شویم اما تأکید می‌کنیم که اگر بخواهیم منتظر بشویم که شرایط کاملاً ایده‌آل ایجاد شود و بعد در شرایط ایده‌آل از شرکت‌ها بخواهیم فرایندهای لازم را داشته باشند، کار بسیار دشوارتر خواهد بود و اساساً شاید این شرایط

ایده‌آل هیچ‌گاه ایجاد نشود. بنابراین، به نظر می‌رسد باید رویکرد تدریجی داشته باشیم و با در نظر گرفتن همه‌ی مسایل و مشکلاتی که وجود دارد و با تعامل همه‌ی ارکانی که در حرفه و در بازار سرمایه وجود دارد کار را به پیش برانیم. حتی در سطوح کلان و دولت نیز برخی عوامل مانند تحریم‌ها خارج از حیطه‌ی اختیارات دولت است. در سطح کلان دیدگاهی برای عدم شفافیت وجود ندارد، اما مسایل و مشکلات بیرونی فشارهایی را تحمیل کرده است. با قبول شرایط موجود و محدودیت‌ها باید بتوانیم تا جایی که ممکن است بهترین کار را انجام دهیم و سعی کنیم خودمان را به ساختار بهینه برسانیم. نکته‌ی بعدی این است که با توجه به شرایط حاکم و نکاتی که همه‌مان بر آن اشراف داریم اگر تصمیم می‌گرفتیم به شرکت‌ها بگوییم فعلاً صبر کنید تا مثلاً سه سال دیگر که کلیه‌ی بسترها فراهم شد احتمالاً سه سال دیگر هم در همین نقطه‌ی فعلی می‌بودیم. ولی وقتی شرکت‌ها به تدریج وارد این



در سازمان بورس سؤال می‌کردند که حسابرس به ما گفته که الان لازم نیست این دستورالعمل اجرایی شود. در حالی که قطعاً منظور حسابرس اظهارنظر خودش روی موضوع بوده است. بنابراین نظر حسابرس روی موضوع خیلی تعیین‌کننده است. مؤسسات حسابرسی، جامعه‌ی حسابداران رسمی و سازمان حسابرسی به‌عنوان نهاد تدوین‌کننده‌ی استاندارد کنترل‌های داخلی و انجمن‌های حرفه‌ای به‌خصوص انجمن حسابرسان داخلی ایران در امر آموزش و نیز دانشگاه‌ها، همگی ارکانی‌اند که اگر در کنار یکدیگر قرار بگیرند و اجزای این پازل را تکمیل کنند می‌تواند بسیار کمک کند که کار به نحو احسن انجام شود و بتوانیم به اهداف متعالی آن دست پیدا کنیم.

در مورد فرمت گزارش حسابرس داخلی باید توضیح دهیم که رویکرد ما ورود تفصیلی به جزییات اجرایی نبوده است. گزارش حسابرس داخلی یک گزارش درون‌شرکتی است که حسابرس داخلی به مدیریت شرکت ارائه می‌کند و انتشار آن از الزامات ما نیست. فرمت‌ها با توجه به ساختار و نوع فعالیت هر شرکت متفاوت است و با توجه به همین موضوع ما نخواستیم الزامات بیش از حد را حاکم کنیم و بیش‌تر آن‌چه در معرض عموم قرار می‌گیرد را فرمتش را تعیین می‌کنیم.

نکته‌ی بعدی این که ما زمانی می‌توانیم از این ساختارها بهره‌مند باشیم که تعامل همه‌ی بخش‌ها را داشته باشیم. همه باید در کنار هم باشند. خود سازمان بورس، جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران و مؤسسات حسابرسی، نقش بسیاری کلیدی‌ای در این زمینه دارند. این دستورالعمل الان ابلاغ شده و شرکت‌ها وقتی در برابر عناوینی مانند کنترل داخلی قرار می‌گیرند فوراً به سراغ حسابرسان‌شان می‌روند. در این‌جا نقش حسابرس خیلی پررنگ است. مؤسسات حسابرسی می‌توانند در فرهنگ‌سازی در این زمینه خیلی مؤثر باشند. استقرار کمیته‌ی حسابرسی داخلی که یک الزام و ضرورت است اهمیت بسیار زیادی دارد. مثالی می‌زنم، سال گذشته که دستورالعمل را ابلاغ کردیم، بعضی شرکت‌ها تماس می‌گرفتند و می‌گفتند که جامعه‌ی حسابداران رسمی اعلام کرده تا وقتی استاندارد در این زمینه وجود نداشته باشد ما اظهار نظر حرفه‌ای نمی‌کنیم و سازمان حسابرسی هم که استاندارد در این زمینه تدوین نکرده و اگر استاندارد نیست به‌هرحال رهنمودهای حرفه‌ای باید در این زمینه منتشر شود. نهایتاً با توجه به این بحث‌ها، موضع‌گیری جامعه‌ی حسابداران و سکوت سازمان حسابرسی، شرکت‌ها از ما

فرایند می‌شوند می‌توانیم انتظار داشته باشیم که بعد از سه سال به نقطه‌ی موردنظرمان برسیم. در نتیجه، رویکرد سازمان بورس این بوده است که در سال گذشته تأکیدمان روی شرکت‌ها استقرار کمیته‌ی حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی بود و بسیاری از شرکت‌ها الان اعضای کمیته‌های حسابرسی و مدیران حسابرسی خودشان را به ما معرفی کرده‌اند. وقتی فرهنگ و نهادهای این امر در شرکت‌ها جا بیفتد می‌توانیم در جهت بهبود و ارتقای حسابرسی داخلی فعالیت کنیم و با حساسیت بیش‌تری بتوانیم کار را انجام دهیم. قانون راهبری شرکتی که در این میزگرد به آن اشاره شد یکی از نکته‌های کلیدی است. در بحث اصلاح قانون تجارت نیز گفته شد که تا چه حد می‌خواهیم موارد مربوط به راهبری شرکتی را در آن ببینیم، آیا قانون جدا برای این امر می‌خواهیم یا در قانون تجارت دیده شود. در حال حاضر، قانون تجارت نهایی نشده و قانون راهبری شرکت‌ها هم هنوز به سرانجام نرسیده است. البته، کار مهم و بزرگی است که پی‌گیری کنیم که قانون راهبری شرکتی داشته باشیم. در شرایط کنونی که فاقد این قانون هستیم، سازمان تلاش کرده در چارچوب این دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها کار را پیش ببرد. البته امیدوارم در آینده از چنین قانونی برخوردار باشیم.



چاره در هماهنگی و همگرایی نیروهای مختلف است

پرتال جامع علوم انسانی

هوشنگ خستویی

نقطه‌ی شروع کار بورس است که باید از شرکت‌ها بخواهد که مدارک لازم را ارائه کنند که بعد از مدت مقرر قانونی سیستم‌های مربوطه را برقرار کرده است. حسابرسان و بورس باید مکمل هم باشند. وقتی این دو مکمل یکدیگر باشند برآیند نیرو

افزایش پیدا می‌کند. ما باید به‌تفاهق فرایندی را ایجاد کنیم که شرکت‌ها دریابند که باید سامانه‌ی کنترل داخلی داشته باشند. تأکید من اساساً بر این است که اگر می‌خواهیم سامانه‌ی کنترل داخلی داشته باشیم باید همه‌ی سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط با همگرایی و هماهنگی با

یکدیگر قدم بردارند. موانع مهمی در برابر نظارت در شرکت‌ها و محیط کلان‌تر فعالیت ما وجود دارد برای غلبه بر این موانع نیازمندیم همه‌ی نهادهای نظارتی هماهنگ با یکدیگر باشند تا قادر باشیم با ایجاد سینرژی استقرار حسابرسانی داخلی را قوام بدهیم.



مسعود محمدپور

در این بخش به تجربه‌هایی می‌پردازم که چالش‌های حسابرسی داخلی را در عمل نشان دهد. طبق الگویی که در چهار مؤسسه‌ی بزرگ Big Four هست، خدمات قابل ارائه تقسیم‌بندی شده و هر کدام دپارتمان‌های خاص خودشان را دارند. در مؤسسات حسابرسی نیز باید حسابرسی مستقل و حسابرسی داخلی تفکیک شود، چرا که دو رویکرد متفاوت است و تخصص‌های متفاوتی را هم می‌طلبد. حتی روش قرارداد بستن این دو هم گاهی متفاوت است. این یکی از کارهایی است که باید برای رویارویی با این چالش انجام شود. دوم این که تجربه‌ی خود ما نشان داده که در دو سال اول فقط یک شرکت بود که به ما اعتماد کرد این کار را انجام دهیم. چه بسا این که حتی برخی از پیشنهادها را هم نپذیرفتند. ایرادی هم ندارد ما که به اصطلاح نمی‌توانستیم کاسه‌ی داغ‌تر از آش باشیم. ما مشکل را می‌گفتیم و آن‌ها هم بنا به خواست خود آن را اجرایی

می‌کردند یا به اجرا در نمی‌آوردند. به تدریج شاهد تکامل حسابرسی داخلی هستیم. کسی که این خدمات را می‌خواهد کسی است که اشراف دارد می‌خواهد این تغییرات ایجاد شود، این تحول ایجاد شود. بیست شرکتی که ما برای‌شان این کار را کردیم همه علاقه‌مند بودند ولو آن‌که گاه توصیه‌هایی می‌کردیم که شاید خوشایندشان نبود. اما پذیرش این توصیه‌ها با خود شرکت‌ها است و ما هیچ اجباری در این زمینه نمی‌توانیم داشته باشیم. چون به‌رحال، خدمات حسابرسی داخلی خدمات مشاوره‌ای است. شرکت‌ها الزام قانونی ندارند که مجبور به قبول توصیه‌ها باشند. موضوع دیگر که ذکر آن لازم است این است که ما در هرجایی که خدمات حسابرسی داخلی ارائه کردیم تلاش کردیم فرهنگ‌سازی هم بکنیم که شرکت‌ها دریابند چه‌طور حسابرسی داخلی و کنترل‌های داخلی می‌تواند به مدیریت کمک کند و مددیار مجموعه‌ها باشد. در این شرایط وقتی این افراد به مجموعه‌های

دیگر هم می‌روند خودشان از خدمات حسابرسی داخلی استقبال می‌کنند. یا به سایر شرکت‌هایی که در ارتباط با آن‌ها هستند خودشان استفاده از این خدمات را پیشنهاد کنند، نه این که از آن گریزان باشند. این به تخصص ما حسابرسی داخلی برمی‌گردد که چه‌قدر بتوانیم این موضوع را پیاده‌سازی و فرهنگ‌سازی کنیم و به قبول شرکت‌ها برسانیم.

موضوع دیگری که ما حسابرسی داخلی گاهی در آن تندروری می‌کنیم این است که گویی اجبار داریم. شرکت‌ها حرف ما را باید بپذیرند. باید بپذیریم که شرکت‌ها اشتباهی ریسکی دارند، با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی و تحریم و چالش‌های رقابتی شرکت‌ها ناگزیرند اشتباهی ریسک را قبول کنند. نباید انتظار داشته باشیم که تمام توصیه‌ها و پیشنهادها را ما باید پذیرفته شود. به نظر من به زمانی در حدود پنج سال نیاز داریم که ابهامات رفع بشود و فرهنگ‌سازی‌ها انجام شود. ولی مسیر به نظر من مسیر خوبی است و باید به آن ادامه داد.

حسابرسی داخلی نیازمند تخصص‌های مختلف است



آقای دوانی جمع‌بندی شما از مباحث جلسه‌ی حاضر چیست؟

غلامحسین دوانی

تقریباً همه‌ی ما به رغم آن که از زاویه‌های مختلف موضوع را بررسی کردیم در مورد الزامی بودن حسابرسی داخلی اتفاق نظر داریم. اگر بورس هم نداشتیم باید این الزامات را می‌داشتیم، اگر یک بنگاه معمولی هم ریسک خود را شناسد بعد از مدتی دچار ریسک می‌شود. حسابرسی داخلی خدمات مشاوره‌ای است و طبیعتاً وقتی به سراغ مشاور می‌رویم که با مشکلی برخورد کرده‌ایم. به حسابرس خارجی به خاطر الزام قانونی مراجعه می‌شود.

همین امر کار حسابرس داخلی را بسیار خطیر می‌کند. وقتی به حسابرس داخلی مراجعه می‌شود انتظار کمک و پاسخ‌گویی به سؤال‌های مشخص وجود دارد و وای از روزی که نتوانیم به بنگاه کمک خاصی بکنیم. متأسفانه ما کارشناسان مالی در دهه‌های اخیر دچار این توهم شده‌ایم که در همه‌ی زمینه‌ها صاحب‌نظر هستیم. حسابرسی داخلی تا جایی که من دریافته‌ام باید تخصص‌های متعددی داشته باشد. حداقل باید تسلط کافی به فناوری

داشته باشد. اما حسابرس مستقل صرفاً باید به مسایل مالی تسلط داشته باشد. شناسایی و مدیریت ریسک شامل ریسک عملیاتی، ریسک فعالیت‌های خود شرکت، ریسک‌های تجاری و غیره که حسابرسی داخلی بررسی می‌کند در حسابرسی خارجی مفهومی ندارد. اساساً امروز چنین کارشناسانی را یا نداریم یا خیلی کم داریم. باید این ضعف را با کمک مراکز آموزشی برطرف کنیم و طبیعی است با چنین ضعف‌هایی قادر به ارائه‌ی خدمات شایسته به مشتریان نباشیم.



از حضور همه‌ی کارشناسان ارجمند در این میزگرد سپاسگزاریم. امیدواریم در فرصت‌های آتی هریک از بحث‌های متعددی را که در میزگرد حاضر در مورد آن گفت‌وگو شد بیش‌تر در معرض نقد و کنکاش قرار دهیم.